

ارتباط انسان با پرندگان ریشه در گذشته های بسیار دور دارد . اما در فرهنگ ما ایرانیان ، پرندگان جایگاه خاص و ویژه ای دارند . بروی نقوش قالی ها ، سفالها ، طرح بناهای باستانی ، صنایع ظریفه ، همچنین در اشعار و بعضی از سنن ملی و غیره ، نقش و عملکرد پرندگان بصورتهای مختلف مشاهده شده و الهام بخش بسیاری از هنرمندان و علاقمندان به طبیعت و منابع طبیعی است .

پرنده معرف پرواز و سیر به دوردستهاست . آواز و حرکات آنها نشان دهنده شادمانی و سرزندگی است . بدین جهت انسان به دلایل فراوان خود را به پرندگان نزدیک می داند . آنها شبیه انسان بر روی دوپا راه می روند ، آواز میخوانند ، مبارزه می کنند و برای خود خانه ساخته ، خانواده تشکیل داده و نمایش حرکات موزون دارند . حرکتهایی که در فرهنگهای مختلف و به انواع متفاوت دیده میشود ، بعضاً و یا بطور کامل از نمایشات پرندگان الهام گرفته شده است .

مجموعه پرندگان علاوه بر زیبایی و تماشایی بودن ، هشداردهنده وضعیت های نامطلوب محیط زیست نیز می باشند . همواره شاهد این هستیم که هرجا آلودگی گسترش داشته ، ملاک گستردگی آلودگی ، نشان دادن پرنده ای آلوده و بیمار بوده است .

رشد بی رویه جمعیت و فعالیتش برای تهیه غذا و مسکن از یک طرف باعث تخریب زیستگاههای طبیعی و بکر گردیده و از طرف دیگر باغات ، مزارع و درختزارها را به زیر توده های آهن و آجر و بالاخره ساختمانهای عظیم و جاده های پیچ در پیچ برده و فضای قابل سکونت برای کلیه

موجودات زنده ، بخصوص پرندگان را در طبیعت تنگ تر میسازد . اثرات نامطلوب تخریب های فراوانی که در نیم قرن اخیر بوسیله انسان در محیط زیست رخ داده ، در جامعه های شهری روزبه روز مشهورتر و سبب انهدام گونه های متعدد جانوری و گیاهی (کاهش تنوع زیستی) گردیده است ، در این گذر پرندگان نیز بی نصیب نمانده و به مرور سروصدا و شادمانی و تجمع آنها در هر کوچه و محله کمتر می شود و حتی در پارکها و فضای سبز که مأمّن طبیعی آنهاست ، تعدادشان بسیار اندک شده و گهگاه اینجا و آنجا دیده میشوند .

پارکهای درون شهری ، اگرچه عمدتاً بصورت طبیعی نبوده ، مصنوع و دست کاشت انسانها می باشند . اما تنها مأمّن و نفسگاه مردم دودزده شهرها میباشند . تجسم شهرهای امروزی بدون فضای سبز چه بصورت پارک و بلوار و یا جنگلکاری ممکن نیست اما اگر این مجموعه دارای مجموعه ای از پرندگان باشد ، تصور کنید چقدر متفاوت می بود ، در عین حالی که فقدان پرندگان در یک پارک خبر از رکود ، سکونت بی تفاوتی انسانها در برابر شاخسارانی ساکت و پابرجا است .

در واقع فضای سبز شهرها بجز جنبه های خنثی کننده آلودگی های صنعتی و شهری ، محیط زیست و مأمّن پرندگان بسیاری ، چون سهره ها ، چرخ ریسکها ، سسکها ، کلاغها ، گنجشکها ، توکاها و غیره می باشد .

اگر این مختصر نعداد، در پارکها نیز نتوانند دوام آورند و در پارکها وجود نداشته باشند ، دیگر کجا می توانستیم آنها را ببینیم . علیرغم این ویژگی و اهمیت حضور پرندگان در فضاهای

سبز شهری ، متأسفانه هنوز اطلاعات ما در مورد انواع ، تعداد ویژگیهای رفتاری و ارزش حضور آنها بسیار کم و در بسیاری از قسمتها ناشناخته است .

اینکه گفته شود ضرورت وجود پرندگان در فضاهای سبز شهری ، در واقع نگرستن بالعکس به موضوع است یعنی باید گفت علت حضور پرندگان و یا کاهش جمعیت آنها بعلت وجود انسان و تبعاتش (آلودگی ، شلوغی و ازدیاد جمعیت ) چگونه است ! و یا چشم اندازهای شهری چه تأثیری بر جمعیت پرندگان داشته است ؟

اگرچه چشم اندازهای شهری و یا صحیح تر گفته شود چشم انداز فرهنگی ، درحقیقت یکی از انواع چشم اندازهاست که برخی از طبیعت به شمار میرود . اما، چشم انداز شامل ساختار زمین شناسی ، اراضی ، خاکها ، فون و فلور و الگوهای فعالیت‌های انسانی ، نظیر مزارع ، کشت زارها ، جنگلها ، مناطق مسکونی و صنایع محلی میباشد . بعلاوه چشم انداز دربرگیرنده مسائل زیبا شناختی نظیر طبیعت و بطور کلی تمام اکولوژی و تاریخ یک منطقه است . از این رو کلمه چشم انداز که رویارویی بین طبیعت و فرهنگ را مورد توجه قرار داده و مفهوم آن را بعنوان یک هستی مدنظر قرار میدهند و در تلاش است که جنبه های مثبت این رویارویی را مورد تاکید قرار دهد ، بعنوان سیمای کوچکی از چشم اندازهای کره زمین که بطور مستقیم توسط انسان دستکاری شده ، مورد بحث این مقاله است . از طرف دیگر ، محیط های طبیعی در نقاط مختلف کره زمین متفاوت بوده و چشم اندازهای مختلفی را تشکیل داده و هرکدام از این چشم اندازها ، دارای فون و فلور خاص خود میباشند . چشم انداز بخشی از طبیعت است

اما چشم انداز فرهنگی ، بعبارت دیگر محل تلاقی فعالیتهای انسانی در طبیعت سیستم پیچیده ای را بوجود آورده و سیمای جدیدی از چشم اندازها را بصورت مراکز مسکونی و شهرها با فضای سبز کافی (در بعضی از شهرها) بوجود آورده که همین ویژگی امکان توسعه جوامع حیوانی را تا حدودی فراهم آورده است .

ورود اولیه پرندگان به چشم اندازهای فرهنگی ، یعنی شهرهای کنونی ، در عمل به زمانی مربوط میشود که جزایر پراکنده ای از چشم اندازهای فرهنگی در حال تشکیل بوده اند به بعبارت دیگر آغاز زندگی انسانی که جوامع و مناطق آن هنوز تحت تأثیر شرایط طبیعی مناطق مجاور قرارداشته اند میباشد . که هنوز هم میتوان در کلبه ها و کومه های جنگلی و دورافتاده ، نمونه هایی از پرندگان مثلاً دم سرخ و مرغ مگس خوار را مشاهده نمود . نمونه های متعددی از این وضعیت را میتوان در گذشته و حال مشاهده و مورد تعمق قرارداد . معمولاً در اطراف گله ها و دام ها ، میزان حشرات بیشتر میباشد ، لذا چادرها ، یوردها و آغل ها و محلهای نگهداری گله ها در زمستان ، محیط های مناسبی برای سکونت پرندگان به شمار میرود ، چون این مکان به منابع غذایی نزدیک تر میباشد . در اینجا پرستوها پس از ورود به این جزایر تمدن ، دامنه نفوذ خود را گسترش داده و به دشتهای و جلگه ها سرزیر شده و به تدریج در شهرها و مراکز انسانی تثبیت شدند . ظاهراً برج و بارورهای شهرها یکی از عوامل جذب بادخوکها و ساکن شدن آنها در چشم اندازهای فرهنگی می باشد . بعبارت دیگر جابجائی ها و یا تغییر مکان بادخورکها و پرستوها از غارها به مجتمع های چوپانی و از آنجا به شهرها فقط

یکی از موارد بیشمار مهاجرت پرندگان به چشم اندازه‌های فرهنگی است. احتمال زیادی دارد که قشلاقها و شهرهای واقع در دامنه کوههای آسیا بعنوان پلی برای مهاجرت پرندگان غار و کوه نشین مانند همین پرستوها و سایر گونه های صخره نشین به محیطهای انسانی می باشند. قشلاقها که بطور زنجیره مانند از کوهستان تا جلگه های ماوراء النهر کشیده شده اند، بستر اکولوژیک مناسبی جهت نفوذ گونه های پیشاهنگ کوه نشین بشمار می رفته اند. با گذشت زمان و به موازات گسترش شهرها (چشم اندازه‌های فرهنگی)، بعضی از این گونه ها دامنه انتشار خود را وسیعتر نمودند، اما محل آشیان سازی آنها بدون تغییر باقی ماند. بنظر می رسد اگر انتشار این گونه ها سطح کمتری را شامل گردیده، به احتمال زیاد شرایط آب و هوایی و مشکل رقابت با گونه های بومی باعث گشته تا گسترش آنها محدود گردد. عکس این پدیده نیز دیده شده است. یعنی یک آبادی یا شهر در حال توسعه، ممکن است بعضی از عناصر بیوتیپ اولیه، مانند باغ، پارک، قسمت‌های درختکاری، قبرستانهای مشجر را در میان بگیرد. در این حالت جانوران و یا پرندگان ساکن آنجا به همان صورت اولیه به حیات خود ادامه خواهند داد. در شهرهای که گسترش زیادی داشته و طبیعت ابتدای را کاملاً دگرگون ساخته اند، باغها و مزارع اطراف تنها مکان مناسب برای ادامه حیات ساکنین اولیه چشم انداز طبیعی خواهند بود. در این صورت گونه های موجود اجباراً زیستگاه اولیه خود را از دست داده و جزیی از چشم انداز فرهنگی (شهر) خواهند شد. بدین ترتیب گونه های جذب شده تمام خصوصیات اولیه خود را با محیط جدید سازگار می نمایند. با این وجود،

هنوز گونه ای یافت نشده که رابطه خود را با زیستگاه اولیه کاملاً قطع کرده باشد و یا حد اقل می توان گفت چنین موردی در مهره دارانی که در سطح زمین زندگی می کنند ، دیده نشده است .

جریان جذب و پراکنده شدن پرندگان در همه جا مشابه یگدیگر است . چون اصولاً انتشار جغرافیایی پرندگان تابع قوانین اکولوژیک انتشار است . گونه ها در محدوده انتشار خود تابع تلفیق دو فاکتور عمده می باشند . توانایی آنها در برابر نواسانات محیطی و رقابت با گونه های دیگر در استفاده از محیط مشترک است . در این راستا ، نگاهی به کشورهای غیر اروپایی که شرایط تاریخ طبیعی و فون متفاوتی دارند ، این موضوع را روشن می سازد . برخی از جانوران که به مناطق مختلف اروپا جذب شده بودند ، در شهرها پراکنده شدند . بعنوان مثال ، سار ، گنجشک و بسیاری از پرندگان جنگلهای پهن برگ مانند چکاوک آسمانی ، توکای سیاه ، سار ، کلاغ سیاه ، قمری ، سهره سبز ، سهره جنگلی ، زرده پره لیمویی ، سهره معمولی و غیره که در سرزمینهای مانند زلاند نو تکثیر یافته اند در اصل از نواحی شهری اروپا به این سرزمینها منتقل شده اند . هنگامی که شهرهای از نوع اروپایی در زلاند نو توسعه یافت ، بیشتر جانوران بومی نتوانسته اند با این خیل مهاجران پرنده و پستاندار اروپا و یا آمریکای شمالی به مقابله برخیزند ، بدین جهت عقب نشینی نموده و جا را برای مهمانان باز گذاشتند . جالب است گفته شود که ، گسترش پرندگان در مناطق جدید ، اکثراً به موازات توسعه شهرها صورت گرفته است . مثلاً همزمان با پیشروی مزارع و باغات به طرف شمال شرقی اروپا بعضی از حیوانات

مانند کیسه دهان و حیواناتی از قبیل خرگوش به این منطقه نفوذ کردند . البته گونه های جدیدی که وارد مناطق توسعه یافته قدیمی می شوند ، کم نیستند ، مانند انتشار گنجشک خانگی و سار در آمریکای شمالی ، با وجود مشکلات اولیه ای که این پرندگان جدید الورود داشتند اما نتوانستند خیلی بهتر و درسطحی وسیعتر از محیط بومی خود و در شهرها گسترش یابند . نمونه جالب دیگر قناری است . طی یک سده ، این پرنده در مناطق مختلف شهرهای متمدن به سرعت منتشر گردیده است . پرنده مزبور در شهرها و قصبات سکونت کرده و از آنجا به نواحی مجاور رخنه کرده و به تدریج در سطوح وسیع پراکنده گردیده است .

عین همین پدیده در مورد یاکریم نیز صادق است . این پرنده در نقطه ای از خاور نزدیک وارد شهر می گردیده است ، مدتها در شعبه جزیره بالکان و در دهه اخیر به اروپای مرکزی نیز نفوذ کرده و امروزه در شهرهای جنوب دریای آدریاتیک ، جنوب سوئد و جنوب غربی انگلستان پرنده ای معمولی بشمار می رود . ساختمانها ، مخصوصاً ساختمانهای سنگی چند طبقه ، محیط مناسبی را برای زیست جانورانی که اصولاً در ارتفاعات بسر می برد ، مهیا می نماید . از این میان می توان پرندگانی را نام برد که در محیط زیست اصلی خود در شکاف صخره ها آشیانه می سازند . این ترکیب صخره ای معمولاً مختص جانورانی مانند خفاش ، گنجشک ، کلاغ ، کبوتر و قمری می باشند . این گونه ها که به شهرها گرویده اند وزندگی آنها به ساختمانهای شهری وابسته است ، اصطلاحاً سینانتروپیک یا انسانگرا می نامند . اضافه

می شود که ، یک شهر ممکن است فاقد فضای سبز یا پارک باشد ، ولی دارای ساختمانی است که مسکن و زیستگاه تعداد زیادی از پرندگان را تشکیل می دهد .

واقعاً نمی توان ادعا کرد که فون چشم اندازهای فرهنگی ( شهرها ) فقیر تر و یا یکنواخت تر از چشم اندازهای طبیعی اولیه می باشد . اگر چه گاهی اوقات تراکم و تنوع کم می باشد ، ولی در تمام موارد صادق نیست . حتی گاهی تنوع و تراکم در چشم اندازهای شهری بیشتر از مزارع و چشم اندازهای طبیعی است . درک این مسئله بسیار ساده است . مزارع امروزی حتی طبیعت دست خورده دارای ساختمان یکنواختی بوده و بهره برداری دائمی از خاک مانع آشیانه سازی و امنیت پرندگان می گردد . حتی زندگی بعضی از جوندگان کوچک و حشرات را ناممکن می سازد .

تحقیقات انجام گرفته در جمهوری های اروپای شرقی نشان می دهد که جمعیت پرندگان در باغها ، گورستانها و شهرهای صنعتی خیلی بیشتر از زیستگاههای طبیعی آنان است . گزارش مشابهی در این مورد نیز از فنلاند موجود است . البته جانورانی نیز هستند که برخلاف گونه های انسان گرا ، به شدت از تماس و نزدیکی به انسان گریزانند ، زیرا احتیاج به محیطهای کاملاً بکر و دست نخورده دارند . به این جهت جانوران را به دو دسته تمدن گرا و تمدن گریز تقسیم بندی نموده اند . در عین حالی که گونه هایی نسبت به سکونت در شهرها واکنش نشان داده اند ، تعداد دیگر با گذشت زمان روابط خود را با محیط متمدن بهبود بخشیده و اگر خیلی وارد آن نمی شوند ، ولی از آن هم گریزان نیستند .



البته انواع دیگری از گسترش وجود دارد که شاید بتوان آنها را گسترش برون منطقه ای خواند . نمونه جالب آن انتشار جی جا در شهرهای اروپا است . امروز این پرنده در برلند ، لاپیزیک ، هامبورگ ، لندن ، بلژیک و دیگر شهرهای این قاره آشیانه می سازد . در عمل این گسترش ، انتشار درون منطقه ای نامیده می شود .

در سالهای اخیر مسئله گسترش پرندگان ، علیرغم افزایش روزافزون آلودگی درون شهرها مقوله ای قابل توجه گردیده است . مثلاً کاکائوها ، کبوتر جنگلی و فاخته ، در اغلب مناطق شهر لندن بخصوص بر روی ساختمانهای بلند به وفور دیده می شوند . همانگونه که اشاره شد ، تنها پرندگان نیستند که ساکن مناطق شهری شده اند .

جنگلهای دست کاشت در شهرهای آفریقای شرقی مانند نایروبی زیستگاه خفاشهای بومی شده است در شهرهای استرالیا ، بر روی درختان کیسه دارانی از فالانگراها زندگی می کنند . همچنین استخرها و برکه های مصنوعی شهرها ، علاوه بر قو و و بعضی از مرغابیها ، زیستگاه بسیاری از جانوران وحشی شده اند . مثلاً در برکه های شهر هلسینکی ، کشیم بزرگ مأوا کزیده و با محیط شهری کاملاً مأنوس گردیده است .

در استخرهای کانبرا ( پایتخت استرالیا ) ، جانوران کمیابی مانند پلاتی پوست زیست می کنند . حتی بعضی از جانوران دشتی و کویرزی مانند چکاوک کاکلی نیز به داخل شهر نفوذ کرده و در زیر شیروانی ها آشیان می سازند .

جالب است اگر دقت شود ، متوجه خواهیم شد که اغلب این پرندگان که از گونه های صخره نشین ، درخت زی و بوته نشین میباشند ، در شهرهای امروزی با هم مخلوط می شوند . به این دلیل که ساختمانها و فضاهای سبز در مجاور هم ساخته میشوند . در شهرهای قدیمی که فضاهای سبز و بناها از یکدیگر فاصله دارند . تراکم جانوران در بخشی از شهر بیشتر از بقیه جاهاست . یعنی چشم اندازهای فرهنگی (شهری - زراعات و باغها) به علت ساختمانهای متنوع و خصوصیات محلی خود ، دارای فون غنی و متنوعی میباشند . البته همین غنا ، به دلیل ویژگی های فضای سبز ، برکه و ساختمانها ، آنقدر باهم متفاوتند که قابل مقایسه با فون دشتها و ساوانها میباشند .

تمام مناطقی از طبیعت که بوسیله دست بشر دگرگون شده اند ، دارای عناصر متشکله فراوانی هستند که طی هزاران سال با یکدیگر تطبیق یافته و بافت واحدی را بنام بیوژئوسنوز بوجود آورده اند . جانوران در این مکان ، جایگاههای مهمی را اشغال کرده اند . مسلماً ارتباط بین پرندگان در این نواحی دارای قانونمندی های طبیعی است و مخصوصاً اشغال جایگاههای اکولوژیک و رقابت بین آنها نقشهای تعیین کننده ای در حضور این یا آن گونه دارد .

حضور گونه های بیشتر در پارکها ، علاوه بر ویژگیهای رفتاری خود پرندگان و قابلیت های انسان گرائی آنها در جذب پارکها و فضاهای سبز شهری ، ادامه حضور و وجود آنها در مناطق مختلف شهری ، مانند پارکها ، قبرستانها و سایر فضاهای سبز ، در درجه اول مستلزم شناخت کامل گونه ها ، وضعیت سکونت و مهاجرت های آنها میباشد . مدیریت بر پارکها با

توجه به این مجموعه اطلاعات و شناسایی در درجه بعدی از اهمیت ویژه ای برخوردار است .  
درواقع ازتباط مدیریت با مردم به منظور دادن اطلاعات صحیح به آنان و ایجاد علاقمندی در مردم برای مراقبت از مجموعه های زیستی ، مخصوصاً پرندگان درون پارکها ، و ایجاد موقعیتهائی که پرندگان در پارکها و در حضور مردم احساس امنیت بیشتر بنمایند ، اهمیت انکارناپذیری دارد . امید است این قبیل همایش ها بتوانند ، در هرچه بیشتر بارور کردن اندیشه های حفاظت مؤثرتر افتاده و زمینه لازم برای شنیدن نوای دل انگیز پرندگان و سروصدای برخورد نوک دارکوب به درختان فراهم آورده ، و روح زندگی را در انسان بیشتر بدمد .